



وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی در بیانیه‌ای، بار دیگر حملات نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی به بناها، موزه‌ها و محوطه‌های تاریخی ایران را جنایتی علیه هویت تاریخی ملت دانست.
به گزارش اقتصادسراسرآمد، وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی با صدور بیانیه‌ای رسمی، حملات اخیر رژیم آمریکا و رژیم صهیونیستی به آثار تاریخی و فرهنگی ایران را به شدت محکوم کرد.
در این بیانیه آمده است:وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی با نهایت تأسف و انزجار اعلام می‌دارد که در پی تجاوز نظامی اخیر رژیم جنایتکار آمریکا و هم‌پیمان آن، رژیم نامشروع و کودک‌کش صهیونیستی علیه میهن عزیزمان ایران، دست کم ۵۶ موزه، بنای تاریخی و محوطه فرهنگی در استان‌های مختلف کشور هدف هجوم مستقیم قرار گرفته و دچار آسیب‌های ساختاری و جدی شده‌اند. این اقدام وحشیانه، جنایتی علیه هویت، حافظه تاریخی و روح یک ملت و لطمه‌ای جبران‌ناپذیر به میراث مشترک بشریت به شمار می‌آید.
کینه دشمن کودک‌کش به ایران و ایرانی برای جهانیان آشکار و هویدا شد و ابهام بزرگ ملت ما سیاست سکوت و رفتارهای غیرقابل توجهی نهادهای بین‌المللی در برابر این جنایات ضدانسانی و ضدتمدنی دشمنان ایران زمین است.
تاریخ امروز برای نسل‌های آتی درس آموز خواهد بود که هیچگاه به دشمنان اعتماد نداشته و استقلال و فرهنگ درونی ملت تبدیل خواهد شد.
در ادامه این بیانیه تاکید شده است: استان تهران به عنوان قلب سیاسی و فرهنگی ایران، با ۱۹ اثر آسپیدیده در صدر فهرست این جنایت قرار دارد. آثار بی‌بدلی همچون کاخ گلستان، ارگ تاریخی تهران، بازار تاریخی تهران، کاخ مرمر، عمارت تاریخی شهرستانی، ساختمان سنای سابق، مسجد سپهسالار و کاخ موزه فرح‌آباد از جمله بناهایی هستند که هدف حملات مستقیم قرار گرفته‌اند. این آثار شانسنامه تاریخی ایران‌زمین و گنجینه‌ای از هنر، مقاومت و شکوه تمدن ایرانی محسوب می‌شوند.

در بخش دیگری از این بیانیه به گستره خسارات در سایر استان‌های کشور اشاره شده و آمده است: در استان کردستان ۱۲ بنای شاخص از جمله عمارت سالارسعید (موزه باستان‌شناسی سنندج)، موزه خسروآباد و عمارت آصف و زوری آسیب دیده‌اند.
در استان اصفهان، نگین معماری جهان، مجموعه میدان نقش جهان که در فهرست میراث جهانی ثبت شده است، به همراه کاخ چهلستون، مسجد جامع عباسی و بخش‌هایی از بافت تاریخی شهر اصفهان هدف حمله قرار گرفته‌اند.
همچنین در استان لرستان، دژ تاریخی فلک‌الافلاک و موزه‌های آن آسیب دیده‌اند.
در استان کرمانشاه نیز تکیه بیگلربیگی و دبیرستان تاریخی کزازی هدف این تعرض قرار گرفته‌اند.
در استان بوشهر، عمارت سبزآباد و خانه تاریخی وایت‌هاوس در بندر سیراف دچار آسیب شده و در استان ایلام نیز موزه باستان‌شناسی دره‌شهر از این حملات مصون نمانده است.وزارت میراث‌فرهنگی در ادامه این بیانیه تصریح کرده است: این حملات، مصادق آشکار جنایت علیه فرهنگ و میراث‌فرهنگی است، اقدامی که در زمره جدی‌ترین جنایات بین‌المللی و نمونه‌ای از خرابکاری عمدی علیه میراث مشترک بشریت محسوب می‌شود.
در بخش حقوقی این بیانیه نیز تاکید شده است: براساس مفاد کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه برای حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه، به‌ویژه مواد ۴ و ۱۹ که حفاظت از اموال فرهنگی را حتی در شرایط مخاصمات داخلی نیز الزامی می‌دانند، همچنین کنوانسیون ۱۹۷۲ حفاظت از میراث‌فرهنگی و طبیعی جهان، به‌ویژه ماده ۶ که احترام به میراث جهانی را برای کشورهای عضو لازم آور می‌داند و نیز قطعنامه ۲۳۴۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد (۲۰۱۷) که تخریب میراث فرهنگی را اقدامی مجرمانه و محکوم اعلام کرده است، حملات نظامی به اماکن فرهنگی و تاریخی ایران نقض آشکار تعهدات بین‌المللی و مصداق بارز جنایت علیه میراث بشریت به شمار می‌رود.
در ادامه این بیانیه آمده است: وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی جمهوری اسلامی ایران به عنوان امین و وارث این گنجینه‌های تمدنی، مراتب اعتراض رسمی خود را از طریق مجاری دیپلماتیک و حقوقی به نهادهای ذی‌صلاح بین‌المللی از جمله یونسکو، ایکوموس و سازمان ملل متح اعلام کرده و از همه ایرانیان داخل و خارج از کشور دعوت می‌کند برای پیگیری این جنایت در مراجع حقوقی و قضایی بین‌المللی همراهی و مطالبه‌گری کنند.

وزارت میراث‌فرهنگی در بخش دیگری از این بیانیه از وجدان‌های بیدار جهانی، اندیشمندان، هنرمندان و ملت‌های آزاده جهان خواسته است در برابر این هجوم به ریشه‌های تمدن بشری سکوت نکنند و تاکید کرده است: جهانی که در برابر نابودی فرهنگ‌ها و هویت‌ها سکوت کند، در حقیقت به استقرار نظامی مبتنی بر زور و نابودی ارزش‌های انسانی تن داده است.



سرتیپ گروه راهبردی – مرتضی فاخری – در دهه‌های اخیر، تحریم‌های اقتصادی آمریکا به‌عنوان شاخص‌ترین ابزار فشار سیاسی و امنیتی علیه ایران، ساختارهای داخلی و بین‌المللی کشور را در معرض چالش‌های سیستمیک قرار داد. این اقدامات، علاوه بر محدودیت دسترسی به بازارهای جهانی و سیستم‌های مالی استاندارد، پیامدهای بلندمدتی بر ساختار تولید، تجارت و امنیت انرژی ایران داشت. با این حال، تجربه‌ی طولانی‌مدت مقاومت اقتصادی و تحولات جغرافیایی –استراتژیک اخیر، به‌ویژه جنگ‌های منطقه‌ای و تغییرات ناگهانی در بازارهای انرژی، باعث شده تا نگرش سنتی به تحریم‌ها دوباره مورد بازنگری قرار گیرد. ایران، با توجه به موقعیت جغرافیایی حیاتی و کنترل تنگه هرمز که بیش از ۲۰ درصد تجارت جهانی نفت و گاز از آن عبور می‌کند دیگر تنها در موقعیت دفاعی انتظار برای رفع محدودیت‌ها قرار ندارد، بلکه می‌تواند از این اهرم استراتژیک به‌عنوان ابزاری برای بازتعریف قواعد تعاملات اقتصادی جهانی استفاده کند.

این رویکرد، نه تنها از ضرورت رفع تحریم‌ها به‌عنوان شرط اولیه برای رشد اقتصادی خودداری می‌کند، بلکه با تبدیل تحریم به یک موقعیت میان‌گریزی متقابل، امکان ایجاد تعادل قدرتی در روابط اقتصادی بین‌الملل را فراهم می‌سازد. در این چارچوب، ایران نه با انتظار از امتیازات خارجی، بلکه با ایجاد شرایطی که دیگر کشورها برای حفظ امنیت انرژی و پایداری تجارت، مجبور به تعامل با ایران شوند، باعث ایجاد قدرتمندی در همه زمینه های استراتژیک می‌گردد. این استراتژی، نیاز به هوشمندی در تصمیم‌گیری، دقت در مدیریت ریسک و توانایی در پیش‌بینی واکنش‌های منطقه‌ای و جهانی دارد. در واقع، تبدیل تنگه هرمز از یک مسیر عبور ساده به یک «نقطه کنترل استراتژیک»، می‌تواند ایران را به سمت ایجاد تعاملات اقتصادی مستقل و پایدار هدایت کند؛ بدون آن‌که به‌عنوان طرف مجبور، قواعدی را که به ضررش طراحی شده، پذیرفته باشد.

سرتیپ گروه راهبردی – مرتضی فاخری – در دهه‌های اخیر، تحریم‌های اقتصادی آمریکا به‌عنوان شاخص‌ترین ابزار فشار سیاسی و امنیتی علیه ایران، ساختارهای داخلی و بین‌المللی کشور را در معرض چالش‌های سیستمیک قرار داد. این اقدامات، علاوه بر محدودیت دسترسی به بازارهای جهانی و سیستم‌های مالی استاندارد، پیامدهای بلندمدتی بر ساختار تولید، تجارت و امنیت انرژی ایران داشت. با این حال، تجربه‌ی طولانی‌مدت مقاومت اقتصادی و تحولات جغرافیایی –استراتژیک اخیر، به‌ویژه جنگ‌های منطقه‌ای و تغییرات ناگهانی در بازارهای انرژی، باعث شده تا نگرش سنتی به تحریم‌ها به‌عنوان شرط اولیه برای رشد اقتصادی خودداری می‌کند، بلکه با تبدیل تحریم به یک موقعیت میان‌گریزی متقابل، امکان ایجاد تعادل قدرتی در روابط اقتصادی بین‌الملل را فراهم می‌سازد. در این چارچوب، ایران نه با انتظار از امتیازات خارجی، بلکه با ایجاد شرایطی که دیگر کشورها برای حفظ امنیت انرژی و پایداری تجارت، مجبور به تعامل با ایران شوند، باعث ایجاد قدرتمندی در همه زمینه های استراتژیک می‌گردد. این استراتژی، نیاز به هوشمندی در تصمیم‌گیری، دقت در مدیریت ریسک و توانایی در پیش‌بینی واکنش‌های منطقه‌ای و جهانی دارد. در واقع، تبدیل تنگه هرمز از یک مسیر عبور ساده به یک «نقطه کنترل استراتژیک»، می‌تواند ایران را به سمت ایجاد تعاملات اقتصادی مستقل و پایدار هدایت کند؛ بدون آن‌که به‌عنوان طرف مجبور، قواعدی را که به ضررش طراحی شده، پذیرفته باشد.

تنگه هرمز، از نظر جغرافیایی و اقتصادی، یکی از حساس‌ترین نقاط تأمین امنیت انرژی جهان به‌شمار می‌رود؛ این مسیر کوتاه، اما استراتژیک، سالانه حمل‌ونقل بیش از ۲۰ درصد تجارت جهانی نفت و نزدیک به ۳۰ درصد گاز طبیعی مایع را تحت پوشش قرار می‌دهد. این واقعیت، ایران را در موقعیتی منحصر‌به‌فرد قرار می‌دهد که از آن به‌عنوان ابزاری غیر متعارف و نه صرفاً دفاعی و بلکه تهاجمی –اقتصادی، می‌توان استفاده کرد. در شرایطی که تحریم‌ها به‌صورت سنتی از سوی آمریکا به‌عنوان ابزار فشار یک‌طرفه به‌کار می‌رو، ایران با کنترل ظرفیت‌های داخلی سوق داده است. مکانیسمی به‌نام «فشار متقابل» یا Hybrid Leverage استفاده کند؛ یعنی با تهدید یا اعمال محدودیت‌های موقت در عبور ناوگان‌های تجاری، هزینه‌های غیر مستقیم مانند بیمه‌ی دریایی، زمان‌بندی و جابجایی مسیر را به‌طور مستقیم بر آمریکا و متحدانش تحمیل کند. این رویکرد، نه تنها فضای سیاسی را تغییر می‌دهد، بلکه احتمال تحریک واکنش‌های غیر متعادل از سوی طرف مقابل را نیز افزایش می‌دهد، که در نهایت، به تقویت موقعیت تفاوضی ایران منجر می‌شود. سناریوهای عملیاتی این اهرم، باید با دقت بالا و بدون افراط طراحی شوند؛ از جمله می‌توان به محدودیت موقت و متناسب در عبور ناوگان‌های خاص مانند کشتی‌های حامل نفت از آمریکا یا اسرائیل اشاره کرد، یا اعمال سیستم‌های کنترلی جدید که با ادعای امنیتی مانند بررسی بارنامه‌ها یا



فریداعلی‌زی -اقتصاد سراسرآمد

«سراسرآمد» بررسی می‌کند؛

«استراتژی اقتصاد غیروابسته»از مقاومت تا عدم نیاز به رفع تحریم‌ها

باز تعریف تعاملات اقتصادی خارجی در چارچوب عدم وابستگی به رفع تحریم

تولیدی و تجاری، ریسک‌های استراتژیکی را نیز به همراه دارد که نیازمند ریسک‌شناسی دقیق و مدیریت هوشمندانه است؛ از جمله، واکنش احتمالی آمریکا و متحدان می‌تواند شامل تقویت تحریم‌های ثانویه علیه شرکای ایران به‌ویژه بانک‌ها و شرکت‌های بزرگ کشورهای درگیر در تجارت با ایران یسا اعمال عملیات نظامی محدود در منطقه خلیج فارس باشد، هرچند احتمال آن به‌مراتب کمتر از تهدیدات و مخاطراتب عدی است. این تنش‌ها، به‌ویژه در صورت اعمال اقدامات تک‌جانبه و غیر متناسب از سوی ایران مانند محدودیت طولانی‌مدت در عبور ناوگان‌های تجاری می‌تواند منجر به افزایش هزینه‌های امنیتی، تحرکات نظامی بیشتر متحدان در منطقه و حتی تحریک واکنش‌های تهاجمی از سوی برخی کشورهای منطقه‌ای شود. از این رو، هر اقدام استراتژیک باید با ارزیابی دقیق واکنش‌های محتمل همراه باشد و از افراط در استفاده از اهرم‌های فشار جلوگیری کند تا از تبدیل رقابت اقتصادی به تنش امنیتی باز جلوگیری گردد.

در عین این امر، ایران باید تعادل ظرفیتی را بین تقویت فشار اقتصادی و حفظ فضای دیپلماتیک و اقتصادی غیر وابسته برقرار کند؛ یعنی در حالی‌که از ابزارهایی مانند تجارت با کشورهای غیر غربی و سیستم‌های پرداخت جایگزین استفاده می‌کند، باید از ایجاد تنش‌های غیر ضروری با کشورهای معتدلی با غرب دارند (مانند هند یا عمان) پرهیز کند تا فضای دیپلماتیک را باز نگه دارد. همچنین، امنیت دریایی باید به‌عنوان یک اولویت اجتناب‌ناپذیر در این تعادل در نظر گرفته شود؛ از جمله، ایجاد مکانیزم‌های اطلاع‌رسانی و امنیتی با کشورهای دریایی مانند کشتی‌های تانکر و ناوگان‌های تجاری می‌تواند از تشدید تنش‌ها جلوگیری کند. این رویکرد، نه تنها از ایران به‌عنوان یک طرف مسئولیت‌پذیر در امنیت جهانی یاد می‌کند، بلکه امکان ایجاد اتحادهای امنیتی غیررسمی با کشورهایی که به عبور آزاد نفت و گاز علی‌الزعم از اختلافات سیاسی، علاقه‌مند هستند، را فراهم می‌سازد. در نهایت، موفقیت این استراتژی به میزان توانایی ایران در تبدیل تهدیدات به فرصت‌های دیپلماتیک و اقتصادی بستگی دارد.

آینده‌نگری و سیاستگذاری

آینده‌نگری در این حوزه، نیازمند ترکیبی از واقع‌گرایی استراتژیک و پیش‌بینی‌های مبتنی بر داده‌های تجربی است؛ در سه تا پنج سال آیند، احتمال تقویت تدریجی شبکه‌های تجارت غیرغربی به‌ویژه با چین و روسیه از طریق توسعه سیستم‌های پرداخت جایگزین و زیرساخت‌های حمل‌ونقل غیر وابسته، بسیار بالاست، در حالی که رفع تحریم‌های کامل و فوری از سوی آمریکا، به‌دلیل تداوم رقابت سیستمی غرب-شرق، احتمال پایینی دارد. از این رو، سیاستگذاری باید بر سه محور اصلی تمرکز کند: اول، تثبیت و گسترش همکاری‌های اقتصادی عمیق با کشورهایی که از نظر سیاسی و اقتصادی در وضعیت مشابه قرار دارند، با تأکید بر مبادلات متقابل و بدون واسطه؛ دوم، ساخت‌وساز سیستم‌های استراتژیک –ساند شبکه‌های پرداخت، لاجستیک و ارتباطات به‌گونه‌ای که نه تنها مقاوم باشند، بلکه قابل ترکیب و قابل ارتقا با فناوری‌های نوین نیز باشند؛ و سوم، مدیریت هوشمند تنش‌ها با حفظ فضای دیپلماتیک غیر وابسته به‌ویژه با کشورهای منطقه‌ای و جهانی که به ثبات اقتصادی علاقه‌مندند تا از تبدیل رقابت به تنش امنیتی جلوگیری شود.

در این مسیر، سیاستگذاری مؤثر، نه از طریق واکنش‌گری به تحریم‌ها، بلکه از طریق طراحی هویت اقتصادی مستقل و پایدار ایران در ساختار جدید جهانی شکل می‌گیرد.

افزایش تعداد بازرسی‌های تصادفی، هزینه‌های عملیاتی را به‌طور غیرمستقیم افزایش دهد. این اقدامات، بدون نیاز به تحریک تنش نظامی، فضایی برای ایجاد «گذاره‌های استراتژیک» فراهم می‌کنند؛ یعنی ایران می‌تواند با ارائه‌ی امتیازات امنیتی مانند تضمین عبور آزادانه در شرایط خاص با کشورهایی که به واردات انرژی وابسته هستند، قراردادهای تجاری مزیت‌داری را منعقد کند. این رویکرد، نه تنها از ایران به‌عنوان یک طرف مجبور خارج می‌کند، بلکه آن را به یک ناظم غیررسمی بر امنیت انرژی منطقه تبدیل می‌سازد. با این حال، موفقیت چنین استراتژی‌ای کاملاً به توانایی ایران در مدیریت ریسک، پیش‌بینی واکنش‌های منطقه‌ای به‌ویژه از سوی شرکای خلیجی و حفظ تعادل بین امنیت و آزادی تجارت بستگی دارد.

باز تعریف تعاملات اقتصادی خارجی در چارچوب عدم وابستگی به رفع تحریم

در شرایطی که رفع تحریم‌ها به‌عنوان شرط پیش‌نیاز برای بازگشت به تعاملات اقتصادی جهانی، به‌تنهایی امیدوارکننده نیست، ایران می‌تواند با بازتعریف اولویت‌های سیاست خارجی اقتصادی، از این شرایط به‌عنوان فرصتی برای ساختاردهی به اقتصادی مستقل و پایدار استفاده کند. تقویت تجارت با کشورهای غیر غربی به‌ویژه چین، روسیه، هند و کشورهای آفریقایی، نه تنها جایگزینی برای بازارهای غربی فراهم می‌کند، بلکه فضایی برای تیسادل غیر متعارف ارزی و ارتقای ظرفیت‌های تولید داخلی فراهم می‌سازد. این همکاری‌ها، با توجه به نیاز این کشورها به منابع انرژی و مواد اولیه، و همچنین علاقه ایران به واردات تجهیزات صنعتی و دارویی، می‌تواند مبنی بر مبادلات متقابل و بدون واسطه باشد. در این مسیر، توسعه سیستم‌های پرداخت جایگزیز مانند SPFS و روسیه و CIPS چین، نقش کلیدی ایفا می‌کند؛ این شبکه‌ها، علاوه بر کاهش وابستگی به سیستم سوئیفت، امکان انجام تراکنش‌های مالی با ارزهای محلی را فراهم می‌کنند که هم از نظر سیاسی امن‌تر است و هم هزینه‌های تبادل را به‌طور قابل توجهی کاهش می‌دهد. این امر، به‌ویژه در تجارت‌هایی که با کشورهایایی انجام می‌شود که خودشان نیز تحت فشار تحریمی قرار دارند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

این رویکرد، نیازمند سرمایه‌گذاری پایدار در زیرساخت‌های حمل‌ونقل و ارتباطی غیر وابسته به سیستم جهانی است؛ از جمله می‌توان به توسعه مسیرهای خشکی مانند مارگاریت و ایران –ترکیه –اروپا و ارتقای بندرهای استراتژیک در خلیج عمان و دریای عرب اشاره کرد. همچنین، ایجاد شبکه‌های ارتباطی دیجیتال مستقل با توجه به تجربه‌های موفق چین و روسیه در این حوزه می‌تواند ایران را از وابستگی به زیرساخت‌های تحت نظارت غربی آزاد کند. این اقدامات، نه تنها امنیت اقتصادی را تقویت می‌کنند، بلکه فضایی برای ایجاد اتحادهای اقتصادی منطقه‌ای مانند شانگهای همکاری و دریای عرب ایجاد کرده. همچنین، ایران را چارچوب، ایران دیگر نباید منتظر رفع تحریم‌ها باشد، بلکه باید با تقویت ارتباطات عمیق‌تر با نیمکره شرقی، خود را به‌عنوان یک محور اتصال اقتصادی جهان معرفی کند. این استراتژی، از ایران یک طرف مجبور را به یک طرفِ تعیین‌کننده در تعاملات اقتصادی جدید تبدیل می‌کند.

ریسک‌شناسی و مدیریت پیامدهای استراتژیک این رویکرد

استراتژی بازتعریف تعاملات اقتصادی خارجی در چارچوب عدم وابستگی به رفع تحریم، علاوه بر امکانات

بدون شرح

قاب‌دوربین



عکس: اصغر بشارتی